



بی‌حجابی و جلوه‌گری از منظر قرآن عقب‌ماندگی و بازگشت به جاهلیت است

یک کارشناس دینی گفت: قرآن کسی را که جلوه‌گری می‌کند، عقب‌مانده فرهنگی معرفی می‌کند، چراکه به همان پوشش دوران جاهلیت باز گشته‌اند. «وَلَا تَبْرَحْنَ تَبَرُّجَ الْجَاهِلِيَّةِ الْأُولَى».

یک کارشناس دینی گفت: قرآن کسی را که جلوه‌گری می‌کند، عقب‌مانده فرهنگی معرفی می‌کند، چراکه به همان پوشش دوران جاهلیت باز گشته‌اند. «وَلَا تَبْرَحْنَ تَبَرُّجَ الْجَاهِلِيَّةِ الْأُولَى».

خبرگزاری مهر، گروه دین و اندیشه: به مناسبت ۲۱ تیرماه، سالروز حجاب و عفاف در خصوص رابطه حجاب و آزادی با حجت الاسلام ادریس عظیمی، محقق، نویسنده و مدرس دانشگاه به گفتگو نشستیم که در ادامه می‌خوانید:

*در متون اسلامی به چه میزان به اهمیت حجاب اشاره شده است و محدوده و میزان آن را چگونه معرفی می‌کنند؟

ابتدا باید گفته شود متون اسلامی و به ویژه قرآن کریم به صراحت به حجاب اشاره می‌کند و زنان را امر می‌کند که حجاب خود را رعایت کنند؛ همان‌طور که در آیه ۵۹ سوره احزاب می‌فرماید: «أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لِّأَزْوَاجِكَ وَبَنَاتِكَ وَنِسَاءِ الْمُؤْمِنِينَ يُدْنِينَ عَلَيْهِنَّ مِنْ جَلَابِيبِهِنَّ ذَلِكَ أَدْنَىٰ أَنْ يُعْرَفْنَ فَلَا يُؤْذَيْنَ»؛ یعنی ای پیامبر! به زنان و دختران و زنان مؤمنان بگو چادرهایشان را بر خود فرو پوشند؛ این کار برای شناخته شدن آنان و اینکه اذیت نشوند، مناسب‌تر است. که البته بنا به آن‌چه در برخی متون تفسیری آمده است بعد از نزول این آیه عده‌ای زنان هرچند به خواستند به این آیه مقید شوند ولی چادر را به گونه‌ای بر سر کردند که گریبان آنان پیدا بود که آیه ۳۱ سوره مبارکه نور در تکمله نازل شد: «قُلْ لِّلْمُؤْمِنَاتِ يَغْضُضْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ وَ يَحْقِظْنَ فُرُوجَهُنَّ وَ لَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَ لِيَضْرِبْنَ عَلَيْنَّ جُلُوبَهُنَّ»؛ یعنی به زنان مؤمن بگو چشمان خود را فرو دارند و دامن خود را حفظ کنند و زینت خود را جز مواردی که لاجرم آشکار می‌شود، آشکار نسازند و باید روسری‌هایشان را بر گریبان افکنند. لذا اینکه برخی بگویند حجاب و وجوب آن یک مسأله من‌درآوردی است، هیچ جایی برای اعتنا ندارد.

اما محدوده و میزان حجاب باید از چند جنبه مورد بررسی قرار بگیرد: اولاً این‌که چه کسی باید حجاب را رعایت کند؟ آیا مختص زن است یا مرد هم باید حجاب داشته باشد؟ یا اینکه زن از چه زمانی ملزم به رعایت حجاب است؟ ثانیاً چه مقدار از بدن باید پوشیده باشد؟ ثالثاً پوشش از چه کسی باید انجام گیرد؟ چهارم اینکه آیا لباس نازک و تنگ هم می‌تواند از مصادیق حجاب باشد یا نه؟ و اینکه یک زنی که آرایش خود را در برابر نامحرم آشکار می‌کند، سازد، می‌توان یک زن باحجاب دانست یا خیر؟

پاسخ همه این پرسش‌ها را می‌توان در رساله‌های عملیه مراجع به دست آورد. به صورت اجمالی عرض می‌کنم که حجاب مختص زن نیست و همه آحاد جامعه ملزم به رعایت یک‌سری آداب هستند؛ همچنین همه اعضای بدن زن باید از نامحرم پوشیده شود به جز قرص صورت و دست‌ها تا مچ. که البته زن باید آرایش خود را از نامحرم پوشیده دارد. همچنین در مورد لباس تنگ و نازک در روایتی آمده است: «لَا يَصْلَحُ لِلْمَرْأَةِ الْمُسْلِمَةِ أَنْ تَلْبَسَ مِنَ الْخَمْرِ وَالدَّرْعِ مَا لَا يَوَارِي شَيْئاً»؛ یعنی برای زن مسلمان شایسته نیست که روسری و روبوشی بپوشد که چیزی را نمی‌پوشاند.

*آیا اسلام تنها چادر را به عنوان حجاب قبول دارد؟

عرض کردیم حدود حجاب در رساله‌های عملیه به شکل تفصیلی آمده است، ولی باید به صورت اجمالی بگوییم اگر دیگر مسائل مربوط به حجاب رعایت شود، حجاب را نباید تنها در چادر دانست؛ هرچند بهترین و بالاترین شکل حجاب همان چادر است.

*برخی می‌گویند حجاب با آزادی زنان منافات دارد، چه پاسخی می‌توان برای این نگاه داشت؟

برداشتن حجاب، آزادی زن نیست، نه! اتفاقاً آزادی مردان هرزه‌زنی‌ها؛ چشم است. ما عمدتاً وقتی صحبت از آزادی در بحث حجاب می‌زنیم؛ شود، ذهن متمرکز پوشش می‌زنیم؛ شود و از طرف مقابل غفلت می‌زنیم؛ کند که چه محدودیت‌هایی را برای طرف مقابل به وجود می‌آورد و این در صورتی است که وقتی زنی حجاب را رعایت نمی‌کند، دایره نگاه یک مرد خویشتن‌زنی‌ها؛ دار را محدود می‌کند. به عنوان مثال شما فرض بفرمایید به راننده‌ی زن؛ گفته شود بوق زدن ممنوع است؛ این سلب آزادی از راننده نیست، بلکه ایجاد آرامش و آزادی برای جامعه است و این حجاب هم یک نوع حفاظ است برای دور ماندن زنان از ابتذال. اینجاست که غرب باید پاسخگو باشد که چرا این آزادی‌ها را از جامعه سالم سلب می‌کند؟

هرچقدر بانوان ما مقیدتر به رعایت حجاب باشند، از آزارها به دورند و اما قریب به اتفاق زنانی که مورد آزار قرار می‌گیرند، آنانی هستند که نسبت به پوشش خود دقت لازم را ندارند

شما ببینید در همین جامعه ایران خودمان قبل انقلاب به چه وضعی از انحطاط رسید. وضع به جایی رسید که به از لحاظ فرهنگی به نقطه‌ی پست‌تر از غرب رسید. آیا توانست به آن آزادی موعود برسد؟ چقدر توانست به قله‌های علمی و فرهنگی برسد؟ ولی در نقطه مقابل ما می‌بینیم در دوران جمهوری اسلامی، زنان با حجاب جامعه ما توانستند در عرصه‌های علمی، هنری، فرهنگی، سیاسی و ... به بالاترین درجه‌ها راه پیدا کنند. از این‌ها گذشته فضا باز هم آماده است برای پیش‌رفت‌های مادی و معنوی. همان زنانی که چندین نسل با فرهنگ منحل پهلوی به دنیا آمده بودند و حتی قبح آن را نمی‌فهمیدند؛ هرچند متأسفانه آثار این جنایات پهلوی که در عرصه‌های مختلف از خود به جای گذاشته ممکن است تا سال‌ها باقی بماند.

این که آن رژیم منحل در ابتدا با کشف حجاب و سپس با ترویج بی بند و باری درآمد، برای آن بود که آن فرهنگ غربی را بتواند در ایران پیاده کند و با سرگرم کردن زن با مدگرایی و مصرف‌گرایی و تمایل به سبک زندگی غربی در همه عرصه‌های سبک‌زندگی در میان مردم پیاده کند تا همواره وابسته به غرب بماند.

*اساساً قرآن و متون دینی چه فلسفه‌ای برای حجاب ارائه می‌کنند؟

همانطور که قبلاً هم گفته شد، خدای متعال در فلسفه حجاب این چنین می‌فرماید: *لَا يُؤْذِنُ*؛ یعنی این حفظ حجاب برای آن است که زنان معروف در جامعه باشند و مورد آزار و اذیت دیگران قرار نگیرند. ما این مسأله را به وضوح در جامعه خودمان می‌بینیم. هرچقدر بانوان ما مقیدتر به رعایت حجاب باشند، از آزارها به دورند و اما قریب به اتفاق زنانی که مورد آزار قرار می‌گیرند، آنانی هستند که نسبت به پوشش خود دقت لازم را ندارند. البته این به آن معنی نیست که زنان باید منزوی باشند؛ نه! حجاب برای جلوگیری از اختلاط و آمیزش بی مرز زن و مرد است، عریانی امنیت زن را از بین می‌برد.

حجاب برای جلوگیری از اختلاط و آمیزش بی مرز زن و مرد است، عریانی امنیت زن را از بین می‌برد

از طرف دیگر، مقید به حجاب بودن، اسباب وفاداری زن و شوهر به یکدیگر را فراهم می‌کند. در چنین جامعه‌ای دیگر چشم مرد سالم می‌ماند. برای همین است که خدای متعال از مومنان می‌خواهد وقتی از همسران پیامبر چیزی درخواست می‌کنند، آن را از پیش پرده‌ای درخواست کنند. *سَأَلْتُمُوهُنَّ مَتَاعًا فَسَلِّتُوهُنَّ مِنْ وَرَاءِ حِجَابٍ ذَلِكُمْ أَطْهَرُ لِقَائِكُمْ وَفَلْيُؤْمِنُوا بِاللَّهِ وَرَبِّهِنَّ*؛ و علت این پرده را سلامت و آرامش قلوب مردان و زنان معرفی می‌کند.

شاید از عبارت *لَا يُؤْذِنُ*؛ این چنین استفاده کرد که حجاب، موجبات تشخیص و تکریم زن را فراهم می‌کند. اگر به دوران قبل از بی بند و باری غرب نگاه کنید می‌بینید زنان اشراف حجاب داشتند، همان‌طور که در ایران باستان هم بانوان اعیان و اشراف برای آن‌ها؛ که یک تشخیصی، یک پرده‌ای میان دیگران داشته باشند، همه باحجاب بودند اما در طبقات پایین برخی بی‌حجاب بودند که البته اسلام این تبعیض را از بین برد و حجاب را برای همگان به نوبد آورد. هرچند برای زنانی همچون همسران پیامبر که از تشخیص بسیار والایی برخوردار بودند علاوه بر آن حجاب پایه یک سری احکام ویژه تعیین کرد و از آنان می‌خواهد به خاطر جایگاه بسیار ویژه‌ای که دارند، در خانه‌هاشان بمانند؛ در آیات ۳۲ و ۳۳ سوره احزاب به این مسأله اشاره شده است.

شاید برخی با یک نگاه متحجرانه بگویند زن محجبه یک عقب‌ماندگی دارد، نکته جالب اینکه قرآن اتفاقاً طرف

مقابل را یعنی کسی را که جلوه‌‍گری می‌‍کند، عقب‌‍مانده فرهنگی معرفی می‌‍کند، چرا که به همان پوشش دوران جاهلیت باز گشته‌‍اند. و لا تَبْرَحَنَّ الْجَاهِلِيَّةُ الْأُولَى؛

*برخی می‌‍گویند چرا اسلام حجاب را تنها برای زنان واجب کرده است؟ آیا این نوعی تبعیض در حق زنان نیست؟

در مورد اختلافات احکام مربوط به زن و مرد باید تفاوت‌‍های ساختاری آن دو را در نظر گرفت. اسلام مرد را به ساقه‌‍ می‌‍داند؛ و لا تَبْرَحَنَّ الْجَاهِلِيَّةُ الْأُولَى؛ و از سوی دیگر در کلام امیرالمؤمنین(ع) است که گلیبرگ‌‍های آن زن است. حال اگر کارکرد این دو عوض شود، آن لطافت به ساقه بیاید، گل خواهد شکست و بالعکس اگر ساقه پر از تیغ به جای گلیبرگ‌‍ها باشد، آن لطافت و زیبایی گل از بین خواهد رفت. بنابراین هرکدام باید در جای خود قرار بگیرد. در مقوله حجاب هم همین‌‍طور است. بنا به ساختار این دو جنس، احکام متفاوتی وضع شده است، البته یادمان باشد که مرد هم حجاب خاص خود را دارد.

مقام معظم رهبری در تعبیر بسیار شیرین این اختلاف را با این تعبیر مطرح می‌‍فرماید که ‍زن مغز بادام است، مرد پوست بادام است؛ ‍خب! معلوم است مغز بادام نباید خاصیت برون‌‍دهی، جلوه‌‍گری داشته باشد.

*اما اساسی‌‍ترین سؤالی که مطرح می‌‍شود این است که هرچند حجاب واجب باشد، در هر حال نمی‌‍توان دیگران را مجبور به به حجاب کرد. چرا سیاست نظام ما الزام و قانونی کردن حجاب است؟

وظیفه نظام اسلامی ایستادگی در برابر حرام است و این را باید تا جایی که می‌‍تواند پیگیری کند. باید فضا را سالم نگه دارد، آمده کند برای پیش‌‍رفت معنوی جامعه. شما ببینید چه آثاری بر برقراری حجاب در جامعه ولو به الزام بار است و اتفاقاً این نقطه را می‌‍توان نقطه ضعف غرب دانست که به بهانه آزادی، چادر را از سر زنان باز کرد، ‍خب! بسیاری از زنان هستند که با همین چادر احساس آزادی دارند و بدون آن نه. چرا از سر او چادر را برمی‌‍کنشی؟ بنابراین غرب می‌‍خواست ارزش زن را به پایین‌‍ترین سطح بیاورد و به زن به دیده کالا نگاه کرد و این بزرگترین جنایت نسبت به زن بود.

وظیفه نظام اسلامی ایستادگی در برابر حرام است و این را باید تا جایی که می‌‍تواند پیگیری کند و باید فضا را سالم نگه دارد، آمده کند برای پیش‌‍رفت معنوی جامعه

در همان فضای فکری غرب ما می‌‍گوییم اشکال حجاب ستیزی بسیار بیشتر از اجبار حجاب است؛ چون در همان فضای فکری هم حجاب موجبات سلامت روان جامعه را فراهم می‌‍کند. البته غرب ادعا می‌‍کند مخالفت با حجاب به خاطر آن است که نمی‌‍خواهد نمادهای مذهبی تبلیغ شود. در صورتی که دروغ می‌‍گویند. شما فرض بفرمایید یک زنی بخواهد بدون انگیزه مذهبی حجاب داشته باشد، آیا به او این اجازه را می‌‍دهند؟

*شما برای ترویج فرهنگ حجاب در جامعه چه راهکارهایی را پیشنهاد می‌‍کنید؟

با افزایش کارهای علمی پیرامون حجاب و روشن کردن باورهای غلط غرب، افراد جامعه از لحاظ بعد شناختی پیشرفت خواهند داشت. همچنین رفتار مثبت زنان محجبه در خانه، در اداره، در محیط بیرون، آثار بسیار فوق‌‍العاده‌‍ای در جذب دیگر بانوان به حجاب خواهد شد.

اما برای موارد اورژانسی باید راهکار نهی از منکر از سوی همگان جدی گرفته شود، البته دقت شود که در مقوله نهی از منکر باید مراحل آن به ترتیب طی شود. و باید با محبت این نهی صورت پذیرد نه با تند.